

بهشت بی امکانات

سلام خدا ، خدای کل هستی خدای عقل و هوش و عشق و مستی
خدای اول و خدای آخر رفیق مومن و شفیق کافر
اسب خداییتو حسابی تاختی یه هفته ای کل کرات و ساختی
یه اِپسیلون خلل تو خلقتت نیست یه زرّه شک تو اسالتت نیست
من دارم از بچه گی فکر می کنم کرات آسمونو چک می کنم
یه لحظه هم نمی مومن معطل دارن می چرخن مته روز اول
بعدِ هزار تا انفجارو لرزش یه زرّه مونرفته لای درزش
خلاصه کلام کارت درسته پای عقل منکر تو سسته
می خوام یه بار همینجوری خدایی یه خورده اختلات کنیم دوتایی
حتا اگه شده برای خنده یه لحضه گوش بدی به حرف بنده
بدون سیستم و صدای قویش شک ندارم هرچی بگم میشنویش
زبون ما را هم که فوت آبی با لجه مون حال می کنی حسابی
سرم مثل کلاف سر در گمه بسکه پر از مقلطه مردمه
یه عالمه سؤال توی ذهنمه مخم داره می ترکه جا کمه
بسکه جواب دیگران چرنده هرچی میگن عقل نمی پسنده
هرکه رسیده ، از تو چیزی گفته خودت بگو ، که دوزاریم بیافته
گفتم اگه وقتشو داشتی از دم هر چی سنواله از خودت بپرسم
رفتی رو سقف آسمون نشستی برای ما سفیر می فرستی
اونم نه در حد سه تا چارتا یه هو صدوبیست چهار هزارتا
آدم اگه بی احتیاتی کنه ممکنه اصلا یه هو قاطی کنه
پیش خدا که کار نشد نداره پس چیه این کارای چند باره
من اینجوری فکر می کنم همیشه اراده خدا عوض نمیشه
خودت که عیب و نقص مارا دیدی از اولش درست می آفریدی
یه چی بگم فقط نگی جفنگه فکر می کنم یه جای کار می لنگه

اهل دروغ و اشتباه که نیستی	والا کشیش و شیخ و شاه که نیستی
کرگدن و اسب و خر آفریدی	یه عالمه جونور آفریدی
به هر دوتاشون پر و بال دادی	کلی به سوسک و پشه حال دادی
یه دفعه ای بال و پرت ته کشید	نوبت خلقت که به آدم رسید
که هیشکی هم نداره غیر از آدم	الان میگی ، من به تو عقل دادم
عقل بدی ، به هیچی هم قد نده ؟	پیش خودت نگفتی این کار بده
از تو بهشت یه هو جوابش کنی ؟	آدمو ساختی که خرابش کنی
کی ؟ آبروی بنده ای رو برده ؟	به خاطر یه سیب نیم خورده
پیش زنش طفلکی شرمنده باشه ؟	زدی تو پوزش که سر افکنده باشه
خدا کیه ؟ بزرگ کل دنیاست	میگن ، همیشه بخشش از بزرگاست
اول و آخر بزرگی آیی	قربون قدرتت ، تو که خدایی
وقتی که ساختی باریک اله گفتی	خودت بهش کلی ماشاله گفتی
بگن طرف حرفتو گوش نکرده	جان خودم این دیگه خیلی درده
همینجوری گل نمی تونه باشه	اگه اراده خودت نباشه
غنچه غلط می کنه هی بخنده	اگه بگن خدا نمی پسنده
پس چرا گفتی احسن اللخالقین	می خواستی شوتش کنی روی زمین
کارای بنده هات تماشاییه	روی زمین ببین چه غوغاییه
توقع کل بهشت و دارن	دویست تومن دست فقیر می زارن
خلق و به حال خودشون می زاشتی	چه میشد اصلا تو بهشت نداشتی
برای رفتن به همون بهشته	الان تو دنیا هر چی کار زشته
یه عده دیگه شدن گرفتار	دست یه عده آدم طمع کار
جفت پا میزنن تو آبروی مردم	بی خودی گیر میدن به موی مردم
فقط چارتا نهره تو پردیس	آخه بهشت هم که چیزی توش نیست
بازم همین که هست خیلی خوبه	شیر و شرابش هم که توی جوبه
چقدر میشه نشست فقط شراب خورد	چقدر میشه رفت لب چشمه آب خورد

راستی شراب و حوری و میکرده اونجا خوبه ، پس چرا اینجا بده ؟

مردا که دورشون پر از حوریه شرایط زنا هم اینجوریه ؟

زن تو بهشت هر جوری خواست می گرده ؟ یا نه بازم تابعه حرف مرده ؟

میگم اگه بهشت پر از حوریه تکلیف این زنای مومن چیه

شنیدم اونجا بی فرودگاهه بدون جاده و بزرگراهه

اونجا بریم ، باید شتر سوار شیم توی بیابوناش باید قطارشیم

وقتی بهشت کامپیوتر نداره هرکی بخواد باید خودش بیاره

وقتی وسایل رفاهیش کمه پس چرا تبلیغ می کنن این همه

اینجا که ما کلی وسایل داریم با این همه هزارتا مشکل داریم

اونجا میگن هزار سال نوری باید آدم سرکنه با یه حوری

می بینی بنده هات چیکار می کنن هم دیگه رو هی نت و پار می کنن

هزارها ساله که مفتی مفتی سر می برن ، میان میگن تو گفتی

جوان ریش دار قندهاری میاد میشه قاتل انتحاری

از سر بی فکری و بی کله ای همینجور آدم می کشن فله ای

میگن بخاطر رضای خداست رضای تو واقعا اینجور چیزاست ؟

نمی دونم والا کجا نوشته که جای قاتل آ ، تو بهشته

خلاصه کلام خیلی پستن اونا که از قول تو خالی بستن

یکیش همین جناب ملا عمر که هیچی نخورده جز مغز خر

اگه بخواد بره بهشت این آدم یه کاری کن بنده برم جهنم

کاش از تو این جمله رو می شنفتم که بچه جون اینا رو من نگفتم

متشکرم